



سخنرانی در دیدار با جمع کثیری از پرستاران، به مناسبت میلاد حضرت زینب کبری (س) و روز پرستار - 22 آبان / 1370

بسم الله الرحمن الرحيم

به همه‌ی برادران و خواهران عزیز، ولادت زینب کبری، بانوی بزرگ اسلام را تبریک عرض می‌کنم و به همه‌ی شما خیر مقدم می‌گویم.

به مناسبت روز پرستار، یک جمله‌ی کوتاه در باب ارزش خدمت پرستاران عرض می‌کنم و آن، این است که همه موظفیم از این انسانهای فداکار و پُرعاطفه و دلسوزی که با عمل انسانی پرستاری خود، از بیماران در مراحل دشوار بیماری مواظبت و حمایت می‌کنند، به عنوان احترام به یک ارزش انسانی والا، قدردانی کنیم. پرستاری حرفه‌ی انسانی و اسلامی است؛ و جامعه و کشوری مثل ما که سرشار از عواطف گوناگون است، و نقش عواطف در این جامعه، همواره نقش برجسته‌ی بوده است، باید به این حرکت عاطفی بزرگ - که دارای مبنای عقلانی و فکری راسخی هم هست - به چشم احترام بنگرد.

پرستاران هم - چه زن و چه مرد - قدر خودشان را بدانند و این حرفه را مقدس بشمارند. هر حرکت انسانی یک پرستار برای بیمار، یک حسنه است و کمکی است به انسانی محتاج کمک؛ آن هم در شرایط حساس. پرستاری، در کنار طبابت و هم‌وزن طبابت است.

و اما ولادت حضرت زینب کبری (علیها السلام) ایجاب می‌کند که ما دایره‌ی بحث را، بخصوص در شرایط کنونی بشریت، وسیعتر قرار بدهیم. زینب کبری یک زن بزرگ است. عظمتی که این زن بزرگ در چشم ملت‌های اسلامی دارد، از چیست؟ نمی‌شود گفت به خاطر این است که دختر علی بن ابی‌طالب (علیه السلام)، یا خواهر حسین بن علی و حسن بن علی (علیهما السلام) است. نسبتها هرگز نمی‌توانند چنین عظمتی را خلق کنند. همه‌ی ائمه‌ی ما، دختران و مادران و خواهرانی داشتند؛ اما کو یک نفر مثل زینب کبری؟

ارزش و عظمت زینب کبری، به خاطر موضع و حرکت عظیم انسانی و اسلامی او بر اساس تکلیف الهی است. کار او، تصمیم او، نوع حرکت او، به او این‌طور عظمت بخشید. هر کس چنین کاری بکند، ولو دختر امیرالمؤمنین (علیه السلام) هم نباشد، عظمت پیدا می‌کند. بخش عمده‌ی این عظمت از این جاست که اولاً موقعیت را شناخت؛ هم موقعیت قبل از رفتن امام حسین (علیه السلام) به کربلا، هم موقعیت لحظات بحرانی روز عاشورا، هم موقعیت حوادث کشنده‌ی بعد از شهادت امام حسین را؛ و ثانیاً طبق هر موقعیت، یک انتخاب کرد. این انتخابها زینب را ساخت.

قبل از حرکت به کربلا، بزرگانی مثل ابن عباس و ابن جعفر و چهره‌های نامدار صدر اسلام، که ادعای فقاقت و شهامت و ریاست و آقا‌زادگی و امثال اینها را داشتند، گیج شدند و نفهمیدند چه کار باید بکنند؛ ولی زینب کبری گیج نشد و فهمید که باید این راه را برود و امام خود را تنها نگذارد؛ و رفت. نه این که نمی‌فهمید راه سختی است؛ او بهتر از



دیگران حس می‌کرد. او يك زن بود؛ زنی که برای مأموریت، از شوهر و خانواده‌اش جدا می‌شود؛ و به همین دلیل هم بود که بچه‌های خردسال و نوباوگان خود را هم به همراه برد؛ حس می‌کرد که حادثه چگونه است.

در آن ساعاتی بحرانی که قویترین انسانها نمی‌توانند بفهمند چه باید بکنند، او فهمید و امام خود را پشتیبانی کرد و او را برای شهید شدن تجهیز نمود. بعد از شهادت حسین بن علی هم که دنیا ظلمانی شد و دلها و جانها و آفاق عالم تاریک گردید، این زن بزرگ يك نوری شد و درخشید. زینب به جایی رسید که فقط والاترین انسانهای تاریخ بشریت - یعنی پیامبران - می‌توانند به آن جا برسند.

مادر او فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) زن دیگری بود که مقامش از زینب کبری هم بالاتر بود. اینها زنان الگو و نمونه‌ی اسلامند. زن امروز دنیا الگو می‌خواهد. اگر الگوی او زینب و فاطمه‌ی زهرا باشند، کارش عبارت است از فهم درست، هوشیاری در درک موقعیتها و انتخاب بهترین کارها؛ ولو با فداکاری و ایستادن پای همه چیز برای انجام تکلیف بزرگی که خدا بردوش انسانها گذاشته است، همراه باشد. زن مسلمانی که الگوش فاطمه‌ی زهرا یا زینب کبری (علیهما السلام) باشد، این است.

اگر زن به فکر تجملات و خوشگذرانیها و هوسهای زودگذر و تسلیم شدن به احساسات بی‌بنیاد و بی‌ریشه باشد، نمی‌تواند آن راه را برود؛ باید این وابستگیها را که مثل تار عنكبوت بر پای يك انسان رهروست، از خود دور کند، تا بتواند آن راه را برود؛ کمالین که زن ایرانی در دوران انقلاب و در دوران جنگ همین کار را کرد، و انتظار این است که در همه‌ی دوران انقلاب همین کار را بکند.

اما الگوی زن ایرانی در این راه، همان است که گفته شد؛ زینب الگوست. زینب زنی نبود که از علم و معرفت بی‌بهره باشد؛ بالاترین علمها و برترین و صافیتترین معرفتها در دست او بود. همان «سکینه‌ی کبری» پی که شما اسمش را در کربلا شنیده‌اید، و دختر امام و برادرزاده و شاگرد زینب است - کسانی که اهل تحقیق و کتابند، نگاه کنند - او یکی از مشعلهای معرفت عربی در همه‌ی تاریخ اسلام تا امروز است. کسانی که حتی زینب و پدر زینب و پدر سکینه را قبول نداشتند و ندارند، اعتراف می‌کنند که سکینه (علیها سلام) يك مشعل معرفت و دانش است.

رفتن این راه، به معنای دور شدن از دانش و معرفت و بینش جهانی و روشنفکری و معلومات و آداب نیست؛ اینها ورای آنهاست. زن اسلامی، زنی است که راه را درست می‌رود؛ هدف را درست تشخیص می‌دهد و در این راه حاضر به فداکاری است. و چنین زنی عظمت می‌آفریند؛ همچنان که زنان ایران عظمت آفریدند؛ اینها تعارف نیست.

اگر زنان به انقلاب نپیوسته بودند، انقلاب پیروز نمی‌شد؛ جوانان برای پیوستن به صفوف انقلاب، از خانه‌ها بیرون نمی‌آمدند؛ مادرانشان نمی‌گذاشتند، یا حداقل آنها را تشویق نمی‌کردند. اگر زنان دل در گرو انقلاب نداشتند، مردان این‌طور آزادانه در صفوف انقلاب جانفشانی نمی‌کردند. نقش زن در انقلاب، هم به طور مستقیم، و هم به طور غیرمستقیم، يك نقش برجسته و مجموعاً نقش اول است؛ در جنگ هم همین‌طور بود.

من با خانواده‌های معظم شهدا دیدار و نشست و برخاست زیادی داشته‌ام. در کمتر خانواده‌ی شهیدی است که روحیه‌ی مادر از روحیه‌ی پدر بالاتر نباشد. در اغلب خانواده‌ها، روحیه‌ی مادر شهید از روحیه‌ی پدر شهید بالاتر است. این، يك



چیز فوق‌العاده است. این، نقش زنان مؤمن را در این انقلاب نشان می‌دهد؛ زنانی که برای پیروزی انقلاب و برای پیشرفت مقاصد انقلاب ایستادند و همه چیز را برای اهداف و آرمانهای الهی و اسلامی خود فدا کردند.

برای زن، این نقش درست است؛ اما آنچه که الگوی غربی و اروپایی است، نقطه‌ی مقابل این است. این دو، با هم جمع‌شدنی نیست. در الگوی اروپایی زن، مسأله این نیست که آنها می‌خواهند زن عالم باشد، اما اسلام نمی‌خواهد زن عالم باشد؛ آنها می‌خواهند زن در مناصب اجتماعی و صحنه‌ی اجتماعی باشد، ولی اسلام نمی‌خواهد؛ قضیه این نیست. اسلام زنان عالمه‌ی بزرگی پرورش داده است. اگر امروز هم در جامعه‌ی ما مشاهده کنید، می‌بینید که متخصصان زن، دانشمندان زن، پزشکان زن، محققان زن و هنرمندان بزرگ زن کم نیستند؛ انسانهای ارزش‌آفرین و صاحب فکر و مکتب در بین آنها هست. در صحنه‌ی سیاسی و در قوای مجریه و مقننه هم همین‌طور است. در همه‌ی بخشهای کشور، حضور زنان، حضور فعالی است. بین ما و آنها، بین تفکر و ارزشگذاری اسلامی و غربی، بحث بر سر اینها نیست؛ بحث بر سر چیز دیگری است.

الگوی غربی امروز اروپایی، برخاسته و زاییده از الگوی باستانی رومی و یونانی آنهاست. آن روز هم این‌طور بود که زن وسیله‌ی برای تکلیف و التذاذ مرد بود و همه چیز تحت الشعاع این بود، امروز هم این را می‌خواهند؛ حرف اصلی غربیها این است.

آنها با چه چیز زن مسلمان بیشتر دشمنند؟ با حجاب او. آنها با چادر و حجاب صحیح و متقن شما از همه چیز بیشتر دشمنند. چرا؟ چون فرهنگ آنها این را قبول ندارد. اروپاییها این‌طورند؛ آنها می‌گویند هرچه را که ما فهمیده‌ایم، دنیا باید از ما تقلید کند! مایلند که جاهلیت خودشان را بر معرفت عالم غلبه بدهند. آنها می‌خواهند زن به سبک اروپایی را در جامعه رواج بدهند؛ که عبارت است از سبک مد و مصرف و آرایش در انظار عموم و ملعبه قرار دادن مسائل جنسی بین دو جنس؛ می‌خواهند این چیزها را به وسیله‌ی زنان رواج بدهند. هرچا با این هدفگیری غربیها مخالفت بشود، فریادشان بلند می‌شود! اینها کم‌طاقت هم هستند! همین مدعیان غربی، کمترین مخالفتی را با مبانی پذیرفته‌ی خودشان تحمل نمی‌کنند.

همه جای دنیا را هم توانسته‌اند تحت تأثیر قرار بدهند؛ مگر محیطهای اسلامی واقعی را. شما اگر به دنیای فقیر آفریقا و امریکای لاتین و شرق آسیا و هرچا که جوامعی هستند، مراجعه کنید، خواهید دید که آن‌جا هم توانسته‌اند همان الگوهای خودشان - همان‌طور آرایش کردن، همان‌طور مصرف کردن و همان‌طور ملعبه شدن زن - را رواج بدهند. تنها جایی که تیر آنها به نشان نخورد، محیطهای اسلامی است، و مظهر آنها جامعه‌ی بزرگ جمهوری اسلامی است؛ لذا بشدت با این مبارزه می‌کنند.

امروز شما زنان، سنگربان ارزشهای اسلامی در مقابل وضع جاهلی دنیای غرب هستید. شما هستید که دارید از این حصار مستحکم فرهنگ اسلامی محافظت می‌کنید. در علم، در فرهنگ، در سیاست و در همه چیز، زن باید پرورش اسلامی پیدا کند؛ در میدانهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و همه جا برود و پیشتانز باشد؛ اما در مسائل شهوانی و جنسی، ملعبه‌ی دست این و آن نشود؛ این حرف ماست.

در مکتب اسلام، حفاظ و حجابی بین زن و مرد وجود دارد. این به معنای آن نیست که زنان، عالم جداگانه‌ی غیر از



عالم مردان دارند ؛ نه، زنان و مردان در جامعه و در محیط کار، با هم زندگی می کنند ؛ همه جا با هم سر و کار دارند ؛ مشکلات اجتماعی را با هم حل می کنند ؛ جنگ را با هم اداره می کنند و کردند ؛ خانواده را با هم اداره می کنند و فرزندان را پرورش می دهند ؛ اما آن حفاظ و حجاب در بیرون از محیط خانه و خانواده حتماً حفظ می شود. این، آن نکته اصلی در الگوسازی اسلامی است. اگر این نکته رعایت نشود، همان ابتدائی که امروز غرب دچار آن است، پیش می آید. اگر این نکته رعایت نشود، زن از پیشستازی در حرکت به سمت ارزشها - که در ایران اسلامی دیده شد - باز خواهد ماند. غربیها مایلند با تمام توان، آن نکته را هم در جایی به نحوی نسبت به هر کسی رسوخ دهند.

به اعتقاد من، گرایش به سمت مدگرایی و تجمل گرایی و تازه طلبی و افراط در کار آرایش و نمایش در مقابل مردان، یکی از بزرگترین عوامل انحراف جامعه و انحراف زنان ماست. در مقابل اینها، خانمها بایستی مقاومت کنند.

آنها برای این که از زن، آن چنان موجودی به وجود بیاورند که مورد نظر خودشان است، محتاج این هستند که دائماً مد درست کنند و چشمها و دلها و ذهنها را به همین چیزهای ظاهری و کوتاه نظرانه مشغول کنند. کسی که به این چیزها مشغول شد، کی به ارزشهای واقعی خواهد رسید؟ مجال پیدا نمی کند برسد. زنی که در فکر باشد از خود وسیله‌ی برای جلب نظر مردان بسازد، کی فرصت این را پیدا خواهد کرد که به طهارت اخلاقی فکر کند و بیندیشد؟ مگر چنین چیزی ممکن است؟ آنها این را می خواهند. آنها مایل نیستند که زنان جوامع دنیای سوم، دارای فکر روشن و آرمانخواه باشند ؛ خودشان دنبال هدفهای بزرگ حرکت کنند و شوهر و فرزند خود را هم حرکت بدهند. زنان جوان در جامعه‌ی ما باید خیلی مراقب باشند، تا این کمند ناپیدای بسیار خطرناک فرهنگ و تفکر غربی را بشناسند ؛ از آن پرهیز کنند و جامعه‌ی زنان را از آن جدا و برحذر بدارند.

امروز این راهی که ملت اسلام، بخصوص ملت بزرگ و شجاع ایران در پیش گرفته است - راه تحقق آرمانهای اسلامی - راه نجات انسانها، راه دفع ظلم، راه شکستن بتهای زر و زور قدرت در دنیا است ؛ بایستی این راه را درست شناخت و از آن پاسداری و حراست و حفاظت کرد. به اراده‌های قوی، به دلهای محکم و ظرفیتهای بالا احتیاج است ؛ و این جز با تربیت الهی و اسلامی مرد و زن ما امکانپذیر نیست. صلاح زنان در جامعه، به دنبال خود، صلاح مردان را هم می آورد. نقش زنان در این مورد، جزو نقشهای برجسته و شاید نقش اول است.

از خداوند متعال مسألت می کنیم که همه‌ی شما خواهران و برادران را مشمول لطف و رحمت و هدایت خود قرار بدهد، و زنان و مردان جامعه‌ی ما را جزو بهترین بندگان محسوب بدارد و مورد رضای ولی عصر (ارواحنا فداه) قرار بدهد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته